

## نقش دبیرکل سازمان ملل متحد در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی

حسین زارع‌شعار<sup>۱</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** اگرچه ارکان سازمان ملل متحد نسبت به یکدیگر اولویت ندارند، اما به نظر می‌رسد نقش و اختیارات آنها با هم برابر نیست. یکی از مباحثی که در اهداف سازمان ملل متحد حائز اهمیت است، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد؛ لذا آنچه چالش این تحقیق می‌باشد این است که در کنار سایر ارکان سازمان ملل متحد، دبیرکل چه نقشی در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی دارد؟

**روش:** این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به‌دست آمده به‌صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** دبیرکل عالی‌ترین مقام سازمان ملل و ریاست دبیرخانه را برعهده دارد و از این منظر با نمایندگان تمام کشورهای عضو در ارتباط می‌باشد. نقش دبیرکل در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی شامل توجه شورای امنیت به مسائل صلح و امنیت بین‌المللی، حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها از طریق میانجیگری یا عمل نیک و انجام تدابیر عملی لازم به نیابت از سوی سازمان در وضعیت‌های بحرانی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** دبیرکل، سازمان ملل متحد، صلح و امنیت بین‌المللی، میانجیگری، شورای امنیت.

\* استناددهی (APA): زارع‌شعار، حسین. (۱۴۰۰). نقش دبیرکل سازمان ملل متحد در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۵-۱۳۳.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_686939.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_686939.html)

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: zare\_1443@yahoo.com



## مقدمه

صلح در مفهوم کلاسیک خود، به «نبود جنگ» تعبیر شده که امروزه به آن «صلح منفی» گفته می‌شود. منشور ملل متحد همین گونه از صلح را ارج نهاده و مهم‌ترین هدف سازمان را به‌صراحت در بند (۱) ماده (۱)، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است و شورای امنیت نیز با اختیاراتی کم‌نظیر در جهت اعتلای این هدف مجهز شده است. از سوی دیگر، بند (۳) ماده (۲) منشور از کلیه اعضای ملل متحد می‌خواهد که اختلافات خود را با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیزی حل و فصل کنند که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیفکنند.

از سال ۱۹۴۵ و تأسیس سازمان ملل متحد به این طرف، آنچه به‌عنوان حقوق بین‌الملل مدرن در نظام آکادمیک بیان شده تا حد زیادی از همین الگوی مصرح در بند (۳) ماده (۲) منشور نشأت گرفته و آنچه از صلح مدنظر است، غالباً همان مفهوم منفی صلح است که در زمان تعارض، بر عدالت رجحان داده شده تا تهدیدات علیه امنیت بین‌المللی خنثی شوند. این در حالی است که مفهوم صلح اعم است از «صلح منفی» و «صلح مثبت»؛ در چهارچوب «صلح مثبت» نه تنها عدالت در تعارض با صلح قرار نمی‌گیرد، بلکه تحقق عدالت لازمه ایجاد صلح ساختاری است (عسکری و خسروی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

صلح، امروزه در برنامه وسیعی متجلی شده که به تفاهم بین‌المللی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها و از میان بردن تعصب، عدم تساهل، نژادپرستی و آپارتاید مربوط می‌شود. صلح در اصل به معنای روندی از پیشرفت، عدالت و احترام متقابل میان مردم است که به منظور تأمین بنای جامعه بین‌المللی طرح‌ریزی شده تا هرکس بتواند در آن جامعه، جای واقعی خود را بیابد و از سهم خویش از منابع فکری و مادی جهان بهره‌مند گردد. بعد از جنگ جهانی دوم حفظ صلح مهم‌ترین دغدغه جامعه جهانی شد و تمام هدف‌های دیگر از جمله احترام به سایر قواعد حقوق بین‌الملل و برقراری عدالت تحت‌الشعاع آن قرار گرفت (حیب زاده و توحیدی، ۱۳۸۰: ۲۲).

بنابراین صلح مقوله‌ای است که به دنبال تفاهم، یگانگی و در نتیجه ایجاد شرایطی برای زیست مسالمت‌آمیز است که در نتیجه آن روابط دوستانه و پایداری بین کشورها ایجاد می‌شود. میثاق جامعه ملل که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ به امضا رسیده است در دیباچه خود، تلویحاً به این نکته پرداخته که تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، مستلزم رعایت اصول روابط بین‌الملل و مقررات بین‌الملل بر مبنای عدالت و شرافت است (وکیل، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

با آنکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است، اما به نظر می‌رسد فقدان نظارت کامل به تصمیمات و اقدامات شورای امنیت توسط سازمان ملل متحد یکی از عوامل ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ صلح و ثبات و استقرار امنیت در عرصه بین‌المللی باشد

(علی‌اکبری، ۱۳۹۸: ۹۹)، لذا در این پژوهش به بررسی این امر می‌پردازیم که دبیرکل ملل متحد چه نقشی در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی دارد؟

### ۱. جایگاه دبیرکل سازمان ملل متحد

مطابق ماده (۷) منشور ملل متحد<sup>۱</sup>، دبیرخانه یکی از ارکان سازمان ملل متحد و رکن اداری آن سازمان می‌باشد و از یک دبیرکل که به توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شود و تعدادی کارمند مورد نیاز تشکیل می‌گردد.

دبیرخانه به لحاظ ساختاری علاوه بر دبیرکل و معاونان دبیرکل و معاونان، متشکل از یک مجموعه کارمندان بین‌المللی است که برحسب وظیفه و در موقعیت‌های مختلف در سراسر جهان در حال انجام وظیفه می‌باشند و کارهای متنوع سازمان ملل متحد و نهادهای مربوط را انجام می‌دهند. تا سال ۲۰۱۲ دبیرخانه متشکل از «چهل و چهار هزار کارمند» در سراسر جهان بوده است (کوهن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۵).

واقعیت آن است که یکی از پر مشغله‌ترین فرد مسئول در سازمان ملل متحد، مخصوصاً در زمینه صلح و امنیت دبیرکل آن است. این نکته در گزارش هیات عالی رتبه نیز به خوبی انعکاس یافته است. گزارش مذکور ضمن تأیید سودمندی ایجاد پست معاون دبیرکل در سال ۱۹۹۶ که منجر به ایجاد انسجام بیشتر در کار سازمان ملل شده است، پیشنهاد می‌کند که با توجه به افزایش حجم کار دبیرکل در زمینه صلح و امنیت یک پست معاونت جدید در امور صلح و امنیت ایجاد شود.<sup>۳</sup>

### ۱-۱. شخصیت بین‌المللی دبیرکل

به‌زعم کمیسیون مقدماتی تهیه منشور در سال ۱۹۴۵، دبیرکل یا مدیر اجرایی<sup>۴</sup> و یا حتی رئیس<sup>۵</sup> دبیرخانه سازمان ملل متحد، مقامی است که بیش از هر شخص دیگری نماینده دائمی سازمان ملل متحد در مجموع می‌باشد. وی از منظر جهانی مقامی است که باید اصول و اهداف مندرج در منشور را که سازمان ملل متحد مجری آن است، تعقیب نموده و موجبات اجرای آنها را فراهم سازد، اما به قول آقای «تریگولی»<sup>۶</sup>، اولین متصدی پست دبیرکلی سازمان ملل متحد، «شغل دبیرکلی مهم‌ترین شغل نشدنی در جهان است» دبیرکل‌های بعدی هم که یکی پس از دیگری جانشین او شدند، بر این نکته تأکید نموده‌اند (علیزاده و زرنشان، ۱۳۹۵: ۱۹۶).

۱. ارکان اصلی ملل متحد عبارت است از: یک مجمع عمومی، یک شورای امنیت، یک شورای اقتصادی و اجتماعی، یک شورای قیمومت، یک دیوان بین‌المللی دادگستری و یک دبیرخانه.

2. Cohen

3. A/59/565, Para: 293

4. Director General

5. President

6. Trygve Lie

بدون شک یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل و خود سازمان ملل متحد، شخص دبیر کل است که به نوعی ریاست دبیرخانه این سازمان را به طور اخص و خود سازمان ملل متحد را به طور اعم عهده‌دار است و کلام و سخن او برای همه دولت‌ها و ملت‌ها مهم و راهنماست به ویژه در حوزه حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی و رعایت موازین حقوق بشر. نگرانی‌های مستمر دبیر کل در زمینه موازین حقوق بشر فصل الخطاب تصویب اسناد بین‌المللی و تأسیس نهادهای متنوع در زمینه پاسداری از صلح و کرامت بشری است (سزاوار، ۱۳۹۹: ۲).

اهمیت این مقام تا جایی است که برخی از نویسندگان از این مقام به عنوان شانزدهمین کرسی حاضر در شورای امنیت سخن گفته‌اند و تأکید نموده‌اند که موضع‌گیری این مقام بین‌المللی می‌تواند بر جریان امور در فضای حیات بین‌المللی بسیار مؤثر باشد (گوردن کر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۲).

## ۱-۲. وظایف دبیر کل سازمان ملل متحد

مهم‌ترین وظایف دبیر کل عبارت‌اند از انجام وظیفه به عنوان عالی‌ترین مقام اداری سازمان ملل متحد، حضور و انجام وظیفه به عنوان دبیر کل در کلیه جلسات مجمع عمومی - شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت و انجام وظایف مشابه دیگری که توسط این ارکان به او سپرده می‌شود و بالاخره تهیه گزارش سالانه درباره کارهای سازمان ملل متحد (موسی زاده، ۱۳۹۵: ۸۱).

همچنین دبیر کل، رئیس هیات عالی اجرای سازمان ملل متحد برای هماهنگی است که سران اجرایی تمام برنامه‌ها و صندوق‌های مالی سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی را در طیف وسیعی از موضوعات مدیریتی و اساسی که نظام ملل متحد با آن مواجهه است، دو بار در سال گرد هم می‌آورد (هاک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۷).

نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت این است که دبیر کل چه نقشی در وضعیت‌ها یا اختلافاتی ایفاء می‌نماید که صلح امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد؟

## ۲. نقش دبیر کل پیرامون صلح و امنیت بین‌المللی

واکنش‌های متنوع دبیر کل به موضوعات مختلف مرتبط با منشور سرآغاز جهت‌گیری عقلانی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه با معضلات جامعه بین‌المللی و دهکده جهانی است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود یک دبیر کل توانمند در تقویت عملکرد سازمان ملل متحد می‌تواند نقش تأثیرگذاری در موفقیت این نهاد بین‌المللی داشته باشد (سزاوار، ۱۳۹۹: ۲)، بر این اساس، بدواً به مطالعه مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته و سپس نقش دبیر کل در این خصوص را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. Gordenker

2. Haack

## ۲-۱. مفهوم صلح امنیت بین المللی

داشتن آرامش و زیستن در محیطی سرشار از صلح و امنیت از دیرباز جزء دغدغه‌های بشریت بوده و بر این اساس جامعه بشری همواره در تلاش بوده است تا زمینه‌های پایداری، استقرار صلح و امنیت بین المللی را فراهم سازد. منظور از صلح و امنیت که یکی از اهداف اساسی در صحنه بین المللی است، حالت طبیعی و بدون جنگ است که در آن هم‌زیستی مسالمت آمیز شرافتمندانه رواج دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در سایه آن زندگی اجتماعی در تعادل و توازن به سر می‌برد. صلح و امنیت از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیش از هر ارزش دیگری در معرض تهدید مخاطره بوده است، همواره تلاش جامعه بشری، نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های آنها برای رسیدن به صلح و امنیت بوده است که نمونه‌های بارز آن ایجاد جامعه ملل و سازمان ملل متحد ملل متحد می‌باشد، مفهوم صلح و امنیت بین المللی در طول زمان و با توجه به تغییرات متعدد حادث شده در روابط بین المللی تغییر یافته و معنا و مصادیق آن گسترش یافته است (مردانی، ۱۳۹۵: ۲).

مهم‌ترین علت شکل‌گیری، دلیل وجودی و هدف ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین المللی است. این هدف در بند (۱) ماده (۱) بیان شده است. البته اهداف برشمرده شده در بندهای (۲)، (۳) و (۴) نیز به نوعی مرتبط با صلح و امنیت بین المللی بوده و تحقق آنها تأمین‌کننده این هدف است. در جهان امروز، صلح نه تنها به عنوان یک نیاز انسان‌ها و جوامع تلقی می‌شود، بلکه به عنوان یک حق برای انسان‌ها تلقی شده تا بتوانند در فضایی آکنده از صلح و آرامش زندگی کنند. امروزه عوامل متعددی صلح و امنیت بین المللی را به خطر می‌اندازند که با پیشرفت بشر، این عوامل تغییر می‌یابند. در این زمینه نقش سازمان ملل متحد به عنوان سازمانی که با هدف عام حفظ صلح و امنیت بین المللی بنا شده است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در واقع جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین المللی منبعث از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند، بلکه ممکن است کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین المللی و دولت‌ها سبب بروز تهدیدات تلقی شوند. باری بوزان تهدیدات امنیتی را در پنج بعد مورد بررسی قرار داده است:

الف) تهدیدات سیاسی: از نظر وی تهدیدات سیاسی در سطح داخلی ناظر به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت‌هاست. در سطح بین المللی نیز ساختار آنارشیک نظام بین الملل ایجادکننده تهدیدات تلقی می‌شوند.

ب) تهدیدات اقتصادی: وی معتقد است فقر و توسعه نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که در بسیاری از موارد، سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی آنها را تشدید می‌کند.

ج) تهدیدات اجتماعی: وی می‌گوید تهدیدات اجتماعی و فرهنگی غالباً ریشه در عوامل اقتصادی دارد. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر و جرائم سازمان یافته، چالش‌هایی هستند که می‌توانند سبب بروز ناامنی و تهدید صلح شوند.

د) تهدیدات نظامی: تهدیدات نظامی از قدیم‌الایام به عنوان تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی مطرح بوده‌اند. امروزه تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و اختلافات ارضی کشورها با یکدیگر نیز به این تهدیدات افزوده شده است.

ه) تهدیدات زیست محیطی: از نظر وی، گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون و تغییرات آب و هوایی، از بین رفتن تدریجی جنگل‌ها خصوصاً جنگل‌های بارانی، بروز خشک‌سالی و کم شدن آب شیرین، آلودگی رودخانه‌ها که انسان، عامل مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از آنهاست تهدیداتی است که ممکن است در آینده نه‌چندان دور، سبب تهدیدات نظامی نیز بشود (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

با این دیدگاه، صلح مساوی با عدم برخورد نظامی نیست، بلکه فقر، گرسنگی، تبعیض، فقدان دموکراسی، حکومت ناکارآمد، نقض حقوق بشر به عنوان زمینه ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند. در این دیدگاه حتی مداخله در امور داخلی دولت‌ها نه تنها غیرقانونی نیست بلکه زمینه ساز صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. بر اساس چنین تفسیری از صلح و امنیت بین‌المللی بوده است که شورای امنیت موارد زیر را تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است: جنگ‌های داخلی در گرجستان، لیبیا، یوگسلاوی سابق و سودان بحران‌های انسانی از جمله پاکسازی‌های قومی و تصفیه نژادی در بوسنی و هرزگوین و رواندا تغییر نظام‌های سیاسی آن‌چنان‌که در هائیتی اتفاق افتاد (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۸).

در منشور ملل متحد اختیارات بسیاری برای شورای امنیت بیان گردیده است که در مورد برخی از آنها ابهاماتی در خصوص محدوده اعمال این اختیارات وجود دارد. در حقیقت شورای امنیت به عنوان یکی از مکانیزم‌های صلح‌ساز در جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. براساس ماده (۲۴) منشور «به منظور اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت واگذار گردیده و (اعضاء) موافقت نموده‌اند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آنها اقدام نماید.»

درواقع آنچه که از ابتدای تأسیس سازمان ملل در قالب شورای امنیت مورد پیش‌بینی قرار گرفت عبارت بود از یک ارگان اجرایی کوچک با عملکرد مداوم که قادر باشد به هنگامی که

صلح و امنیت بین‌المللی مورد تهدید قرار می‌گیرد اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر نموده، مکانیزم اجبار کننده پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور را به کار اندازد (موسی زاده، ۱۳۸۹، ۱۱۶).

بدیهی است از آنجا که منشور خود را محدود به قدرت شورای امنیت نموده است، هرگونه تصمیم در نقض اصول و اهداف منشور می‌تواند یک اقدام، خارج از حدود اختیارات قانونی تلقی شود. در راستای ایفای وظایف شورای امنیت وفق ماده (۲۴) منشور ملل متحد در ماده (۳۹) پیش‌بینی نموده است که «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ صورت دهد» (سبحانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴).

در منشور ملل متحد در ماده (۹۹) آمده است «دبیرکل می‌تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید، جلب کند». در واقع در منشور ملل متحد اختیارات دبیرکل در وضعیت‌هایی که صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره می‌افتد، محدود شده به جلب نظر شورای امنیت به‌عنوان رکنی که مسئولیت اصلی و اولیه حفظ صلح و امنیت را دارد؛ اما با توجه به در بند (۱) ماده (۱) منشور ملل متحد مقرر گردیده است «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل...»

این امر به معنای آن است که نقش و اختیارات دبیرکل نباید محدود به جلب نظر شورای امنیت باشد و در وضعیت‌ها و یا اختلافاتی که دبیرکل می‌تواند حضور فعال و مؤثر داشته باشد، ضرورت دارد به‌منظور تحقق اهداف منشور اقدام نماید. بدین منظور به نقش دبیرکل در حل و فصل اختلافات بین‌المللی که ممکن است صلح و امنیت را به خطر بیندازد خواهیم پرداخت.

## ۲-۲. نقش دبیرکل در حل و فصل اختلافات بین‌المللی

سازمان ملل متحد دارای شش رکن اصلی می‌باشد که با توجه به آنکه زیرمجموعه یک سازمان فعالیت می‌کنند، باید برای تحقق اهداف آن سازمان تلاش نمایند؛ اما به نظر می‌رسد میزان اختیارات بعضی از این ارکان با بقیه متفاوت است. به عبارت دیگر اختیارات شورای امنیت یا دیوان بین‌المللی دادگستری با دبیرخانه برابر نیست، در عین حال اختیارات دبیرخانه نیز در منشور مشخص و واضح نیست. یکی از وظایف حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. در منشور ملل متحد برای اختلافاتی که ماهیت حقوقی دارد مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌بینی شده است.

همچنین اگر اختلافات ماهیت سیاسی داشته باشند، اقدام از طریق شورای امنیت پیش‌بینی شده است؛ اما نقش دبیر کل سازمان ملل متحد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی مشخص نیست. برای شناخت بیشتر پیرامون نقش دبیر کل در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی لازم است تا بدواً به بررسی مفهوم حل و فصل اختلافات پردازیم و اینکه با توجه به معیارهای حقوق بین‌الملل، چه زمانی اختلافات بین‌المللی بروز می‌نمایند.

## ۲-۱. مفهوم اختلافات بین‌المللی

با آنکه در نگاه دولت‌های وستفالیایی، اندیشه امپراتور مابانه همچنان بهترین شیوه حل و فصل اختلافات را جنگ می‌دانست، اما دو سازمان بین‌المللی یعنی جامعه ملل و سازمان ملل متحد در این تغییر این نگرش نقش مهمی ایفاء نمودند. در خصوص حرکت در مسیر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی ماده (۱۲) میثاق جامعه ملل مقرر می‌داشت: «هر اختلافی که محتمل است منجر به مناقشه و برخورد میان اعضاء گردد، باید به یکی از سه طریق داوری، حل و فصل قضایی و یا تحقیق توسط شورای جامعه مورد بررسی قرار گیرد.»

اگرچه میثاق جامعه ملل گام مهمی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی برداشته بود، اما از آنجا که حل و فصل نظامی اختلافات را منع نکرده بود، دولت‌های عضو را متعهد می‌کرد تا ابتدا به روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف متوسل شوند. دوگانگی مقررات راجع به حل و فصل اختلافات که در دو سند فوق آمده، پیامد منطقی این واقعیت بودند که اصل عدم توسل به زور در حقوق بین‌الملل در آن زمان وجود نداشت و از این‌رو رابطه متناقضی بین این دو مقوله کاملاً واضح و آشکار بود (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶: ۲۲).

در یک تعریف که توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ماوروماتیس ارائه شده است، اختلاف عبارت است از «عدم توافق در خصوص یک مسأله موضوعی یا حکمی یا تعارض دیدگاه‌های حقوقی یا منافع حقوقی»<sup>۱</sup> در قضیه ماوروماتیس دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری اعلام نمود که اختلاف عدم توافق نسبت به یک موضوع حقوقی یا واقعیت است و همچنین اختلاف نظر حقوقی و یا تعارض منافع میان طرفین آن است.<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر باید اثبات شود که ادعای یکی از طرفین در تضاد با ادعای طرف دیگر است. یعنی صرف ادعای یکی از طرفین مبنی بر اینکه با طرف دیگر اختلاف دارد، کافی نیست که مدلل سازد، واقعاً میان آنها اختلاف وجود دارد و همین‌طور صرف انکار وجود اختلاف بیانگر عدم

1. PCIJ Rep, 1924:2/11

2. Mavromatis Case, 1924 PCIJ ser. A/No 2/11. The majority of inter-state dispute that is: a disagreement on a point of law or fact, a conflict of legal views or of interests between two persons



وجود اختلاف میان طرفین نیست و همچنین اثبات اینکه میان منافع طرفین اختلاف وجود دارد کافی نیست، بلکه باید اثبات شود که ادعای یک طرف کاملاً مورد مخالفت طرف دیگر است (صلح چی و نژندی منش، ۱۳۹۶: ۴۱).

علل بروز اختلافات می‌تواند زمینه سیاسی یا حقوقی داشته باشد. تعارض یا تضاد منافع میان تابعان حقوق بین‌الملل در مورد تغییر یا اصلاح حق موجود یا ایجاد وضعیت حقوقی جدید، موجب پیدایش اختلافی می‌گردد که دارای ماهیت سیاسی است؛ اما در خصوص اختلافات حقوقی، بند (۲) ماده (۳۶) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد که: «دولت‌های امضاءکننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه حقوقی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد، در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد به خودی خودی و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند.

الف) تفسیر یک عهدنامه؛ ب) هر مسأله که موضوع حقوقی بین‌المللی باشد؛ ج) حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد؛ د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.»

همچنین در تفاوت وضعیت و اختلاف باید گفت که نخست، طرفین اختلاف حق شرکت در رأی‌گیری شورای امنیت را ندارند؛ دوم، دولتی که عضو سازمان ملل نیست فقط می‌تواند در مورد پیدایش اختلاف به شورای امنیت مراجعه کند ولی در مورد وضعیت این حق را ندارد؛ سوم، اگر طرفین یک اختلاف در حل آن توافق نمودند اختلاف منتهی است (موسی زاده و کوهی، ۱۳۸۹: ۸۲).

با توجه به بند (۴) ماده (۲) و ممنوعیت توسل به زور در حل و فصل اختلافات بین‌المللی، منشور ملل متحد روش‌هایی را برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی ارائه داده است. مطابق بند (۱) ماده ۳۳ منشور ملل متحد «طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه‌حل آن را جستجو نمایند.»

اگرچه در ماده (۳۳) منشور ملل متحد به صراحت به اختلافات حقوقی و سیاسی اشاره نشده، اما نوع بیان ماده نشانگر آن است که می‌توان میان اختلافات قائل به تفکیک شد و براساس روش‌های پیشنهادی در این ماده آنها را به دو دسته اختلافات سیاسی و حقوقی تقسیم نمود. محصول این تقسیم‌بندی سازوکارهای غیرحقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی است که نتیجه اعمال آنها ارائه راه‌حل‌های اختیاری و غیر الزام‌آور است. برخلاف سازوکارهای حقوقی که نتیجه اعمال آنها

ارائه راه‌حل‌های الزام‌آور است. البته حتی وقتی کشورها به سازوکارهای حقوقی بین‌المللی متوسل می‌شوند، باز هم خارج از این فرآیندها درگیر روش‌های دیپلماتیک خواهند بود تا در فرآیند حل اختلاف بیشترین منافع را کسب نمایند. خصوصاً دولت‌هایی که امید کمی به موفقیت در رسیدگی قضایی دارند (گری، ۲۰۱۷: ۲).

همچنین به دنبال تصویب منشور، تاکنون چهار بار مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر ضرورت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید کرده است که در این رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: الف) اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل: مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها (قطعنامه ۲۶۲۵ مورخ ۱۹۷۰؛ ب) اعلامیه مانیل: تأکید بر دو اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل و اصل توسل به راه‌های مسالمت‌آمیز قطعنامه ۵۹۰ - ۳۷ مورخ ۱۹۸۲؛ ج) قطعنامه مربوط به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی قطعنامه مصوبه ۹ نوامبر ۱۹۸۷؛ د) قطعنامه مربوط به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی قطعنامه مصوبه ۱۱ نوامبر ۱۹۸۸.

با توجه به مذاکرات اولیه در خصوص ماده (۳۹) و مندرجات موجود در کارهای مقدماتی نگارش منشور قصد تدوین کنندگان منشور شناسایی صلاحیت انحصاری و گسترده با امکان تفسیر موسع در زمینه اعمال تحریم‌ها و مجازات‌ها به شورای امنیت بوده است (موسی زاده و کوهی، ۱۳۸۹، ۱۰۱).

اگرچه وظیفه اصلی و اولیه حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت است، اما این وظیفه انحصاری نیست و سایر ارکان سازمان ملل متحد نیز می‌توانند در اجرای این وظیفه اجرای نقش نمایند؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد سازمان ملل متحد با هدف عام صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد شده و تمام ارکان این سازمان از جمله دبیر کل، مانند یک بازو برای رسیدن به این هدف امکان تلاش و فعالیت دارند.

## ۲-۲-۲. دبیر کل و حل و فصل مناقشات بین‌المللی

در منازعات و اختلافات بین‌المللی و یا داخلی مساعی جمیله (تلاش نیک) و میانجیگری یک مقام و نهاد بی‌طرف، یکی از روش‌های سیاسی مناسب برای پیشگیری از تبدیل شدن یک وضعیت به بحران و یا حل آن به‌شمار می‌رود. سازمان ملل متحد و به‌ویژه ابتکارات دبیر کل در این راستا یقیناً از وجاهت و جایگاه خاصی برخوردار است. از این ابتکارات که به‌عنوان دیپلماسی آرام یاد شده است، برای حل اختلافات و جلوگیری از تشدید بحران‌های بین‌المللی بسیار مؤثر واقع شده و از توسعه این نقش دبیر کل به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی تحول در سازمان ملل نام برده شده است (بیگ‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۹۶).

دبیرکل چه مطابق مقررات منشور و چه به ابتکار شخصی در بسیاری از اختلافات بین‌المللی نقش میانجی و معتمد طرفین اختلاف و عرضه‌کننده روش‌ها و پیشنهادات در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را بازی می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که نقش دبیرکل نسبت به دوران گذشته روشن‌تر و صریح‌تر و مؤثرتر گشته است. علت عمده این امر، نیاز بین‌المللی به وجود یک عامل بی‌طرف، بی‌غرض و مثبت در ارتباط میان دولت‌هاست تا آنها بتوانند در حل و فصل اختلافاتشان از کمک‌های میانجی‌گرانه وی استفاده کنند.

در اوضاع بین‌المللی موجود دخالت دولت‌ها در این امر عواقبی دارد که موجب گردیده دولت‌ها کمتر حاضر به اقدامات میانجی‌گرانه شوند. در این حالت تنها یک مقام رسمی مورد اعتماد کشورهای عضو می‌تواند یاری‌دهنده باشد و آن مقام دبیرکل است (رجبی، ۱۳۷۲: ۱۲).

از جمله اقداماتی که دبیرکل می‌تواند نسبت به حل و فصل اختلافات بین‌المللی اقدام نماید، حل اختلاف از طریق میانجیگری یا تلاش نیک است. دبیرکل به‌عنوان شخص ثالثی که دارای اعتبار بین‌المللی است، می‌تواند در اختلافات میان دولت‌ها نقش میانجی را ایفاء نماید. میانجیگری در زمره قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات خصوصاً اختلافات بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

در تفاوت میانجی و تلاش نیک باید گفت که در تلاش نیک، شخص یا دولت ثالث، به‌طور مستقیم در حل اختلاف دخالت ندارد و تلاش‌های وی ممکن است منجر به مذاکره میان طرفین اختلاف گردد. در واقع این تلاش شخص یا دولت ثالث زمانی که طرفین اختلاف به‌پای می‌ز مذاکره می‌آیند، به پایان می‌رسد (کلیبار، ۱۳۷۱: ۲۳۶).

نخستین قواعد جامع برای حل اختلافات بین‌المللی از طریق میانجیگری و پایمردی به‌موجب قرارداد اول کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه اتخاذ گردید. این قرارداد و قرارداد اول کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه، پایه‌های قواعد مشابهی را در تعداد بی‌شماری از قراردادهای بین‌المللی که براساس ضوابط حقوق بین‌الملل منعقد شده‌اند، تشکیل می‌دهد.

به‌طور کلی، میانجیگری امری است کاملاً اختیاری، اما باید متذکر شد که به‌موجب برخی قراردادهای چندجانبه بین‌المللی، نوع ویژه‌ای از میانجیگری که جنبه اجباری دارد نیز ابداع شده است. در این نوع میانجیگری، دو یا چند دولت توافق می‌کنند در صورتی که بین آنها کشمکش و اختلافی رخ دهد به دولت یا شخص ثالثی که به‌عنوان میانجی قبول کرده‌اند یا طبق توافق آتی انتخاب می‌کنند، رجوع کنند تا آن ثالث به رفع اختلاف اقدام کند. توسل به میانجیگری اجباری نخستین بار در کنگره ۱۸۵۶ پاریس اعلام گردید و دول امضاکننده عهدنامه پاریس موافقت نمودند در صورت بروز اختلاف بین خود از طریق میانجیگری اقدام نمایند. طبق ماده ۸ قرارداد اول کنفرانس دوم لاهه نیز دولت‌ها می‌توانند موافقت کنند که در حل اختلافات خود هر کدام

یک دولت را به عنوان میانجی انتخاب کنند و در صورتی که اختلافی بروز کرد، دول میانجی برای رفع آن مذاکره کنند و در حقیقت با این اقدام که قبل از بروز اختلاف انجام می‌گیرد، طرفین دعوی بنا بر توافق قبلی از خود سلب اختیار کرده و آن را به دولت میانجی واگذار می‌کنند (واعظی، ۱۳۸۴: ۱۷).

نمونه‌ای از میانجیگری موفق که توسط دبیر کل صورت گرفت، مربوط است به اختلاف میان اتحاد جماهیر شوروی و کوبا که اتحاد جماهیر شوروی، دبیر کل را به عنوان میانجی پذیرفت. به علاوه در درگیری‌های نظامی و اختلافاتی که تنش میان طرفین شدید است نیز میانجیگری می‌تواند کارآمد باشد.

در جنگ ایران و عراق نیز با آنکه تلاش‌های بسیاری از سوی اشخاص یا دولت‌های ثالث برای حل اختلاف میان دو کشور صورت گرفت، دبیر کل وقت آقای اولاف پالمه نخست وزیر سوئد را به عنوان نماینده ویژه خود برای حل اختلاف مذکور مأمور نمود. تلاش‌های نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد سرانجام توانست آتش‌بس را میان طرفین ایجاد نماید. دبیر کل سازمان ملل متحد نیز با اجازه از سوی شورای امنیت، قطعنامه ۵۹۸ را در سال ۱۹۸۷ به کار بست که منجر به پایان جنگ شد. بر این اساس در ماه ژولای ۱۹۹۰ ایران و عراق توافق نمودند که از راه میانجیگری دبیر کل سازمان ملل متحد، در صدد انعقاد مصالحه‌نامه‌ای پایدار برآیند (صلح‌پی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶: ۸۲).

## ۲-۳. نقش دبیر کل در کمک‌های انسان‌دوستانه بین‌المللی

با توجه به وضعیت نظام بین‌المللی موجود، برخی ابعاد حقوقی مداخله بشردوستانه با توجه به حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی شان و خصوصاً مقوله محیط زیست و نظریه‌های رو به افول بودن حاکمیت مطلق کشورها، به نظر می‌رسد هرچقدر قدرت سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و بشردوستانه‌ای همچون سازمان ملل در رویه عملی و تئوری‌شان افزایش یابد، به همان میزان از حاکمیت کشورها و مطلقه بودن آن در سطح داخلی نسبت به استانداردهای رفتاری بین‌المللی، کاهش می‌یابد (امینیان، ۱۳۹۷: ۱۴).

سازمان ملل متحد همراه با دیگر سازمان‌های بین‌المللی مانند صلیب سرخ، به ارائه برخی خدمات انسان‌دوستانه می‌پردازد. از این خدمات می‌توان به تأمین مواد غذایی، آب آشامیدنی، مأمّن و دیگر سرویس‌های بشردوستانه به مردمانی که دچار قحطی و جنگ و سایر بلاها شده‌اند، اشاره کرد (میراحسنی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

البته روشن است که در صورت عدم رضایت دولت نیازمند، عملاً این حق قابل استیفا نخواهد بود و هیچ دولتی بدون رضایت دولت دیگر نمی‌تواند به‌طور مستقیم کمک‌های بشردوستانه را به

قربانیان و نیازمندان برسانند. این مسئله هم انکارناپذیر است که دولتی که در سرزمین او مخاصمات مسلحانه و به علت بلایای طبیعی فجایع انسانی بروز کرده است، برای امتناع یک دولت تنها به دلایل قانونی ممکن است، موجه جلوه کند. بی‌شک امتناع خودسرانه یک دولت در وضعیتی که خود نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند و نیازهای مردم را تأمین نماید، فاقد جاهیت است (قربان‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۶).

دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا تصریح نمود که کمک‌های بشردوستانه تا زمانی که به صورت بی‌طرفانه و بدون تبعیض ارائه و توزیع می‌شود، مداخله در امور داخلی یک دولت به حساب نمی‌آید.<sup>۱</sup> در این خصوص دبیرکل می‌تواند نقش مؤثری ایفاء نماید هم در زمینه شناسایی و توجه جامعه جهانی به وضعیت‌هایی که لازم است مورد کمک‌های انسان‌دوستانه واقع شود و هم در خصوص ارائه این کمک‌ها که هر قدر دبیرکل در این زمینه فعال‌تر باشد، این کمک‌ها می‌تواند بهتر تأمین گردد.

## ۲-۴. نقش دبیرکل در کنترل تسلیحات

کنترل تسلیحات همواره به عنوان نکته‌ای مهم در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حائز اهمیت بوده است. تلاش سازمان‌های بین‌المللی مانند جامعه ملل و سازمان ملل متحد همواره بر کنترل تسلیحات بوده و معاهدات بین‌المللی منعقد شده در این زمینه پویای تلاش برای متعهد نمودن دولت‌ها در این زمینه بوده است. بین دکترین‌های بازدارندگی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های کوچک باید تفاوت قائل شد. ابرقدرت‌هایی مثل آمریکا، روس‌ها و بازدارندگی کلی و فوری معتقدند، اما انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، تا حدی چینی‌ها و اخیراً هندی‌ها و پاکستانی‌ها به بازدارندگی حداقلی قانع‌اند؛ اما یکی از روش‌های بازدارنده و مؤثر در کنترل تسلیحات، دیپلماسی پیشگیرانه است.

دیپلماسی پیشگیرانه به مفهوم امروز آن، از سابقه چندانی در حقوق و روابط بین‌الملل برخوردار نیست و نخستین بار اثر آشکار نقش دیپلماسی پیشگیرانه در کنترل بین‌المللی تسلیحات را می‌توان به وضوح در گزارش «دستورالعمل برای صلح» بوتروس غالی دبیرکل پیشین ملل متحد، مشاهده نمود. در این گزارش، بوتروس غالی با محدود کردن دیپلماسی پیشگیرانه در روش‌های مدیریت مخاصمات که شامل ایجاد و حفظ صلح می‌شد و همه فعالیت‌هایی که در این حوزه معمولاً زیر نظر سازمان ملل متحد انجام می‌گرفت از جمله کنترل تسلیحات و به کارگیری پیشگیرانه تسلیحات را شامل می‌شد؛ به این نقش مؤثر دیپلماسی پیشگیرانه در این حوزه اشاره نمود (روتبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۱۴۲). پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث ایجاد

1. ICJ, 1986, Para 243

2. Rotberg

محیط ژئوپلیتیک جدیدی در عرصه جهانی شد و به تبع آن جنگ‌های داخلی شدت گرفت. تغییر رویکرد مخاصمات مسلحانه و همچنین، ضرورت پرهیز از آنها اهتمام به دیپلماسی پیشگیرانه را شدت بخشید.

اثر دیپلماسی پیشگیرانه را می‌توان در منشور ملل متحد نیز یافت؛ چه آنکه منشور سازمان ملل متحد یکی از اهداف سازمان مزبور را اتخاذ اقدامات دسته‌جمعی به منظور پیشگیری و دفع تهدیدها نسبت به صلح می‌داند. در واقع، همان‌گونه که اینیس کالو<sup>۱</sup> خاطر نشان می‌سازد، «توسعه نظریه و رویکرد دیپلماسی پیشگیرانه، یکی از اساسی‌ترین کمک‌های نظام سازمان ملل متحد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. اثر دیپلماسی پیشگیرانه در کنترل بین‌المللی تسلیحات آنجا آشکارتر می‌گردد که بدانیم موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات، بیشتر در چارچوب دیپلماسی پیشگیرانه منعقد می‌شوند (کوستر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۵۲).

این نقش اساسی دیپلماسی پیشگیرانه در کنترل بین‌المللی تسلیحات، به پس از پایان جنگ سرد بازگشته که کنترل بین‌المللی تسلیحات به عنوان عنصر اساسی دیپلماسی پیشگیرانه تلقی شده است. سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت آن، طلایه‌دار دیپلماسی پیشگیرانه در سطح جهانی بوده؛ اما گاه در جهت عکس آن عمل نموده است؛ از جمله می‌توان به مخالفت با قطعنامه پیشنهادی روسیه در شورای امنیت ملل متحد به منظور خاتمه جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ اشاره نمود که مفاد آن دقیقاً در چارچوب دیپلماسی پیشگیرانه قرار می‌گرفت (یاری و کازرونی، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

## ۲-۵. نقش دبیر کل در عملیات حفظ صلح

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد به عنوان ابزاری در راستای امنیت بین‌المللی و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، به دنبال فهم و بررسی چگونگی نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در چهارچوب شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد و مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق عملیات حفظ صلح می‌باشد (سجادپور و آقا محمدی، ۱۳۹۴: ۲).

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین و سودمندترین ابزار سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در دوره جنگ سرد دارای وظایف عمدتاً نظامی بوده است، با پایان جنگ سرد، فروپاشی شوروی و بلوک شرق و نتیجتاً شیوع جنگ‌های داخلی و بین‌المللی و انعقاد موافقت‌نامه‌های جامع صلح بین طرفین درگیر در نتیجه تلاش‌های سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، وظایف جدید و متنوعی (بر اساس این موافقت‌نامه) که عمدتاً معطوف به تقویت و تحکیم می‌باشند از قبیل: وظایف سیاسی، نظامی، اجتماعی - اقتصادی،

1. Inis Claude

2. Quester

بازسازی و غیره به آن واگذار شده است. در بعضی عملیات یکی از وظایف محوله به این نیروها، طیف مختلفی از وظایف و مأموریت‌های حقوق بشری می‌باشد که در راستای انجام این مأموریت‌ها ساختارها، بخش‌ها و دواير جدیدی در حفظ صلح مربوطه انجام شده است و فعالیت‌ها و اقدامات قابل توجهی توسط این نیروها در این زمینه انجام شده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۵۶).

در مورد عملیات حفظ صلح مقررات صریحی در منشور ملل متحد وجود ندارد، اما طبق رویه سازمان ملل متحد که ناشی از قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی است و خود قاعده عرفی شده است از یک سو و با تفسیر مترقیانه از مجموع مقررات منشور و مخصوصاً فصل اول مواد ۱، ۲ و فصل ششم بالأخص مواد ۳۳، ۳۴، ۳۶ و ۳۷ فصل هفتم بالأخص ماده ۴۰ از سوی دیگر مبانی حقوقی عملیات حفظ صلح مشخص می‌گردد. به نظر داگ شولر دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد عملیات حفظ صلح در فصل شش و نیم منشور جای دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۵).

شورای امنیت به عنوان متولی عملیات حفظ صلح می‌باشد؛ زیرا مطابق ماده (۲۴) مسئولیت اصلی و اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت است. در خصوص وظایف مأموران حفظ صلح باید گفت که در میان وظایف امنیتی می‌توان سنتی را جای داد. منظور از وظایف سنتی آن دسته از عملیاتی می‌باشد که ماهیتاً توسط عناصر نظامی و انتظامی عملیات صورت می‌گیرد که جزو مهم‌ترین وظایف آنها به‌شمار می‌آید. این اقدامات شامل نظارت بر آتش‌بس، متارکه جنگ و ترک مخاصمه، کنترل مرزها، عملیات پیشگیرانه، جداسازی نیروهای نظامی و حائل شدن میان آنها نظارت بر انحلال ساختار فرماندهی نیروهای داخلی، واحدهای کماندویی، نیروهای قومی و جمع‌آوری سلاح‌ها و مهمات این نیروها و محل‌های مورد توافق می‌باشد (رضازاده، ۱۳۹۸: ۴۵۰).

در این میان نقش دبیرکل در عملیات حفظ صلح حائز اهمیت است؛ زیرا براساس نقش و اختیاری که در منشور ملل متحد برای دبیرکل در نظر گرفته شده است، دبیرکل ملل متحد می‌تواند نظر شورای امنیت را نسبت به وضعیت‌هایی که صلح و امنیت را به خطر می‌اندازد، جلب نماید و این امر خصوصاً در مواردی که نیازمند حضور فوری نیروهای حافظ صلح می‌باشد، بیشتر حائز اهمیت است. چنانچه دبیرکل در این زمینه فعال بوده و مواردی که نیازمند حضور نیروهای حافظ صلح هست را به‌دقت و درستی شناسایی نماید، می‌تواند در زمان مناسب اقدامات مؤثر توسط شورای امنیت صورت گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

صلح، امروزه در برنامه وسیعی متجلی شده که به تفاهم بین‌المللی حقوق بشر، حقوق خلق‌ها و از میان بردن تعصب، عدم تساهل، نژادپرستی و آپارتاید مربوط می‌شود. صلح در اصل به معنای روندی از پیشرفت، عدالت و احترام متقابل میان مردم است که به منظور تأمین بنای جامعه بین‌المللی طرح‌ریزی شده تا هرکس بتواند در آن جامعه، جای واقعی خود را بیابد و از سهم خویش از منابع فکری و مادی جهان بهره‌مند گردد. بدون شک یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل و خود سازمان ملل متحد شخص دبیر کل است که به‌نوعی ریاست دبیرخانه این سازمان را به‌طور اخص و خود سازمان ملل متحد را به‌طور اعم عهده‌دار است و کلام و سخن او برای همه دولت‌ها و ملت‌ها مهم و راهنماست، به‌ویژه در حوزه حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی و رعایت موازین حقوق بشر. در بیان مفهوم جایگاه صلح و امنیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل باید گفت که مهم‌ترین علت شکل‌گیری، دلیل وجودی و هدف ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. این هدف در بند (۱) ماده (۱) بیان شده است. البته اهداف برشمرده شده در بندهای (۲)، (۳) و (۴) نیز به‌نوعی مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی بوده و تحقق آنها تأمین‌کننده این هدف است. امروزه عوامل متعددی صلح و امنیت بین‌المللی را به‌خطر می‌اندازند که با پیشرفت بشر، این عوامل تغییر می‌یابند. در واقع جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعث از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است. در منشور ملل متحد برای اختلافاتی که ماهیت حقوقی دارد مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌بینی شده است. همچنین اگر اختلافات ماهیت سیاسی داشته باشند، اقدام از طریق شورای امنیت پیش‌بینی شده است؛ اما نقش دبیر کل سازمان ملل متحد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی مشخص نیست. در بیان مفهوم اختلاف بین‌المللی باید گفت که زمانی که ادعای یک دولت درست مخالف ادعای دولت دیگر باشد، میان آنها اختلاف بین‌المللی وجود دارد. دبیر کل چه مطابق مقررات منشور و چه به ابتکار شخصی در بسیاری از اختلافات بین‌المللی نقش میانجی، معتمد طرفین اختلاف و عرضه‌کننده روش‌ها و پیشنهادات در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را بازی می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که نقش دبیر کل نسبت به دوران گذشته روشن‌تر، صریح‌تر و مؤثرتر گشته است. علت عمده این امر، نیاز بین‌المللی به وجود یک عامل بی‌طرف، بی‌غرض و مثبت در ارتباط میان دولت‌هاست تا آنها بتوانند در حل و فصل اختلافاتشان از کمک‌های میانجی‌گرانه وی استفاده کنند. نقش دیگر دبیر کل در مخاصمات مسلحانه و یا حوادث طبیعی در کمک‌های انسان‌دوستانه بین‌المللی است که موجب





حفظ صلح می‌گردد. نقش دیگر دبیرکل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مربوط است به کنترل تسلیحات که برهم زنده صلح و امنیت بین‌المللی است که در این خصوص دیپلماسی پیشگیرانه می‌تواند مؤثر باشد. نقش دبیرکل در عملیات حفظ صلح نیز حائز اهمیت است، زیرا بر اساس نقش و اختیاری که در منشور ملل متحد برای دبیرکل در نظر گرفته شده است، دبیرکل ملل متحد می‌تواند نظر شورای امنیت را نسبت به وضعیت‌هایی که صلح و امنیت را به خطر می‌اندازد، جلب نماید.

### **تشریح و قدردانی**

نگارنده از عزیزی که در فرآیند انتشار این پژوهش نهایت همکاری را داشتند، کمال امتنان را دارد.

## منابع

- احمدی، عباس. (۱۳۸۶). نقش عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت از حقوق بشر. *حقوق و سیاست*، ۹(۲۲)، ۲۵۶-۳۰۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=90447>
- اشرافی، داریوش. (۱۳۹۳). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۵(۴۲)، ۱۰۹-۸۳.
- [https://qjpl.atu.ac.ir/article\\_255.html](https://qjpl.atu.ac.ir/article_255.html)
- امینیان، محمدرضا. (۱۳۹۷). مداخله بشردوستانه شورای امنیت در محیط‌زیست از منظر حقوق بین‌الملل. *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، ۴، ۱۳۲-۱۰۵.
- <http://ensani.ir/fa/article/385204>
- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۸۹). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. مجد.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. چاپ اول. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ توحیدی‌فرد، محمد. (۱۳۹۸). اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. *حقوق د/درسی*، (۳۰).
- <http://ensani.ir/fa/article/128785>
- رجبی، نسرين. (۱۳۷۲). *بررسی توسعه و تحول اختیارات و وظایف سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد*. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی].
- رضازاده، فروغ. (۱۳۹۸). مفهوم و کارکردهای عملیات حفظ صلح. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۲(۵)، ۴۶۰-۴۴۳.
- [https://www.gahr.ir/article\\_96818.html](https://www.gahr.ir/article_96818.html)
- سبجانی، محمدرضا؛ موسی‌زاده، رضا؛ شریفی طراز کوهی، حسین؛ منصور، سعید. (۱۳۹۹). مفهوم و جایگاه صلاحیت در حقوق بین‌الملل. *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱۳(۴۷)، ۲۳-۱.
- [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_685976.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_685976.html)
- سزاوار، احمد. (۱۳۹۹). *تبیین نقش دبیرکل سازمان ملل متحد در تحکیم صلح جهانی*. سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی. تهران.
- صلح‌چی، محمدعلی؛ نژندی‌منش، هیبت‌اله. (۱۳۹۶). *حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*. چاپ ششم. میزان.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل عمومی*. کتابخانه گنج دانش.
- علی‌اکبری، رستم. (۱۳۹۸). *بررسی علل ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی*. *پژوهشنامه حقوق فارس*، ۲(۴)، ۹۷-۱۱۷.
- [http://www.pzhfars.ir/article\\_107949.html](http://www.pzhfars.ir/article_107949.html)
- عسکری، پوریا؛ خسروی، یلدا. (۱۳۹۵). *ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل*. *روابط بین‌الملل*، ۶(۲۲)، ۲۶۶-۲۳۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=323160>
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۹۳). *تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه*. *حقوق تطبیقی*، ۱۰(۱۲۲)، ۴۴-۲۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=241795>

- کلییار، کلود آلبر. (۱۳۷۱). سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا امروز. ترجمه هدایت‌الله فلسفی. جلد دوم. چاپ اول. فاخته.
- مردانی، افشین؛ مردانی، بابک. (۱۳۹۵). بررسی صلح و امنیت بین‌المللی در میثاق جامعه ملل و منشور سازمان ملل متحد. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
- موسی‌زاده، رضا. (۱۳۸۹). سازمان‌های بین‌المللی. چاپ شانزدهم. میزان.
- موسی‌زاده، رضا؛ کوهی، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت. میزان.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۴). مبانی نظری میانجیگری در مناقشات بین‌المللی. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، (۲)۱، ۴۰-۱۵.

[https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_6347.html](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_6347.html)

- وکیل، امیر ساعد (۱۳۹۱). ارتباط حقوق بشر با صلح و امنیت بین‌المللی. مجمع علمی فرهنگی مجد.
- یاری، احسان؛ کازرونی، مصطفی. (۱۳۹۶). نقش دیپلماسی پیشگیرانه در کنترل بین‌المللی تسلیحات و پیشبرد صلح. تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۹(۳۳)، ۱۲۵-۱۰۱.

[http://pir.iaush.ac.ir/article\\_602274.html](http://pir.iaush.ac.ir/article_602274.html)

- Cohen, M. (2017). *The United Nations Secretariat—Some Constitutional and Administrative Developments*, Published online by Cambridge University Press.
- Gordenker, L. (2013). *The UN Secretary-General and Secretariat*, London, Routledge.
- Gray, Julia. (2017). *Diplomacy and the Settlement of International Disputes*, University of Virginia - Woodrow Wilson Department of Politics.
- Rotberg, R. I. (2010). *When States Fail: Causes and Consequences*, Princeton University Press.
- Quester, G. H. (2011). *Preemption, Prevention and Proliferation: The Threat and Use of Weapons in History*. Transaction Publishers.
- Haack, K. (2018). The UN Secretary-General, role expansion and narratives of representation in the 2016 campaign. *The British Journal of Politics and International Relations*, 20 (4).